

# انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

# ۹۳

۲۶ بهمن ۱۳۸۰

۱۵ فوریه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

## ۸ مارس امسال روز اعتراض به جداسازی زن و مرد، به حجاب اجباری

صفحه ۲



## تتمه معجزات "شیطان بزرگ"!



مصطفی صابر

زنگار ناسیونالیسم جهان سومی  
شان را سوهان زدند و بعضی  
با افتخار به اینکه اصلا بوش  
و آمریکا خاله زاده سیاسی

صفحه ۳

و یا بوده است، و تمام مدافعین  
و پامتری های اینها برای نجات  
ایران به جلو صحنه آمدند. از  
خامنه ای و رفسنجانی تا خاتمی،  
از ملیون و دوم خردادی های  
خارج حکومتی، اکثریتی توده  
ای ها و دنبالچه های "ضد  
امپریالیست" شان تا سلطنت  
طلبان و رژیم سابقی ها. بعضی  
گفتند که "آمریکا هیچ غلطی  
نمی تواند بکند"، بعضی با  
لحنی ملایم تر متاع شان را  
تبلیغ کردند که "ما بلدییم با  
آمریکا راه بیاییم"، عده ای

از "جنگ آمریکا علیه تروریسم"  
بود. تروریست ترین تروریست  
های دولتی و اسلامی را واقعا  
به هیجان آورد!  
در ایران تهدیدات اخیر بوش  
هیاهویی بمراتب گسترده تر  
برانگیخت. (این تازه در حالی  
بود که همه ناظرین بلااستثناء  
گفتند که امکان حمله نظامی  
علیه ایران نا محتمل است!)  
یکباره تمام ارتجاع سیاسی جامعه  
ایران جانی گرفت و به حرکت  
درآمد. تمام نیروهایی که دست  
شان به خون مردم آلوده هست،

سخنان بوش، مبنی بر قلمداد  
کردن ایران و عراق و کره  
شمالی بعنوان "محور شر"،  
گرچه مخالفت و شگفتی  
بسیاری را برانگیخت، از  
جانب کله خر ترین نیروهای  
راست جهان استقبال شد. از  
جنگ طلبترین محافل آمریکا،  
آریل شارون و فاشیست های  
اسرائیل، تا شیخ های مرتجع  
حماس و آدم کش های اسلامی  
نظیر شریعتمداری که گفت:  
"خدا را شکر کنید، آمریکا  
حمله کند". این جلوه ای واقعی

## درباره معالجات منصور حکمت

صفحه ۲

## منتشر شد

صفحه ۳

## قطعه نامه علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی

صفحه ۲

## اهداف سخنان بوش و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی



فاتح بهرامی

سرکوب شارون عملا این تروریسم  
اسلامی را یاد میزنند. و تا به  
ایران برمیگردد همین آمریکا  
۲۳ سال است که ناظر و شاهد  
جنایت و ترور جمهوری اسلامی  
در داخل و خارج ایران است و  
نه تنها با آن مخالفت نداشتند  
بلکه این رژیم را کمک هم کردند  
و برای از انزوا در آوردن آقای  
خاتمی مایه هم گذاشتند. بنابراین  
بحثهای اخیر آمریکا علیه ایران

صفحه ۴

کشورهای جهان است که به دولتها  
و سازمانهای تروریستی یاری رسانده  
است. جانورانی مانند طالبان را  
خود آمریکا بجان مردم افغانستان  
انداخت. این آمریکا است که به  
جنایات وحشیانه اسرائیل علیه  
مردم فلسطین و تروریسم تمام  
عیار شارون صحنه میگذارد. کسی  
که واقعا بخواید یک پای اصلی  
تروریسم اسلامی را قطع کند باید  
در درجه اول برای حل مساله  
فلسطین تلاش کند. اما آمریکا  
هرچند میدانند که تروریسم اسلامی  
از مساله فلسطین نیرو میگیرد، با  
اینوجود اگرچه با سازمانهای  
اسلامی مانند حماس و حزب الله  
لبنان امروز مساله دارد اما با  
دفاع از سیاستهای خشونت و

سیاسی موجب شده است. تاثیر  
این تهدیدات روی سردمداران  
جمهوری اسلامی و طیف های  
مختلف اپوزیسیون متفاوت بوده و  
منجر به عکس العملهای مختلفی  
شده است. بهرحال موضع اخیر  
جورج بوش و دولت وی حاکی از  
یک تغییر در روش برخورد آمریکا  
در قبال جمهوری اسلامی است  
که دلایل و اهداف آن و همچنین  
تاثیرات آن روی جمهوری اسلامی  
و عملکردش را میشوید بررسی  
کرد.  
سخنان بوش علیه ایران و دو  
کشور دیگر بعنوان ادامه پروژه  
"مبارزه با تروریسم" آمریکا هیچگونه  
ارتباطی به مبارزه واقعی با تروریسم  
ندارد. آمریکا خود جزو اولین

کمتر از دو هفته بدنبال سخنان  
بوش درباره سه کشور ایران و  
عراق و کره شمالی که از آنها  
بعنوان کشورهای "محور اهریمنی"  
یاد کرده بود، کالین پاول مجددا  
با لحن ملایمتری درباره ایران  
صحبت کرد و گفته است که  
بوش برنامه ای برای حمله به  
ایران ندارد. تهدیدات بوش علیه  
ایران و تکرار این نکته از طرف  
خود او و رامزفیلد وزیر دفاع و  
جورج تنت رئیس سازمان  
اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)  
درباره تلاش ایران برای دستیابی  
به سلاحهای اتمی و کمک به  
اعضای القاعده تفاسیر و حس  
و گمانهای متفاوتی را در میان  
رسانه ها و مفسرین و فعالین

## اطلاعیه پایانی نشست

## دفتر سیاسی

صفحه ۳

## دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0044 208 962 2707

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## درباره معالجات منصور حکمت

پدینوسیله به اطلاع میرسانیم که معالجات منصور حکمت آغاز شده است. به محض دریافت اطلاعاتی از نحوه پیشرفت معالجه، این اطلاعات در اختیار عموم قرار خواهد گرفت. این مرحله از معالجات که حدوداً سه ماه به طول می‌انجامد مبلغ ۱۲۰ هزار پوند هزینه خواهد داشت. حسابهای بانکی زیر بمنظور تامین هزینه معالجات گشوده شده است. از تمام علاقمندان دعوت میکنیم که کمکهای مالی خود را به این حسابها واریز کرده و فیش بانکی مبلغ واریز شده را به شماره فاکس زیر ارسال کنند.

**هیات دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران**  
۱۰ فوریه ۲۰۰۲

دوستانی که سوالی داشته باشند میتوانند با شماره تلفن و آدرس ای میل زیر تماس بگیرند:

**تلفن:** ۰۰۴۴ ۷۸۱ ۵۹۰۲۲۳۷

**آدرس ای میل:** AzarModaresi@web.de  
شماره فکس حزب: ۰۰۴۴ ۸۷۰ ۱۳۵۱۳۳۸

**شماره حساب در آلمان:**

دارنده حساب: Modaresi

شماره حساب: 2208622234

اسم بانک: CITIBANK, Privatkunden AG

آدرس بانک: Kasernenstr. 10, 40213

Dusseldorf, Germany

کد بانک در آلمان: 30020900

کد بین المللی بانک: Citideff

**شماره حساب در انگلیس:**

دارنده حساب: WPI

شماره حساب: 45 47 79 81

اسم بانک: Natwest bank

کد بانکی: 60 24 23

شعبه بانک: Wood green

**شماره حساب در سوئد:**

POSTGIROKONTO 63 23 11-7

Betalningsmottagare Barnen Forst

**شماره حساب در کانادا:**

دارنده حساب: S. Irandoust

شماره حساب: 76-15531

اسم بانک: CIBC کد بانک: 07932

آدرس بانک: Danforth and Victoria Park  
Toronto, Ontario

**شماره حساب در آمریکا:**

دارنده حساب: Modanlou

شماره حساب: 06056- 12226

اسم بانک: Bank of America

## ۸ مارس امسال روز اعتراض به جداسازی زن و مرد، به حجاب اجباری

**مردم آزادبخواه! صف های  
جداسازی را بهم بریزید، حجاب  
اجباری را به آتش بکشید!**

روز ۸ مارس روز جهانی زن را به روز نمایش اعتراض شدید و گسترده خود علیه جداسازی زن و مرد و علیه حجاب اجباری، به روز عزم خود برای برپایی یک جامعه آزاد و برابر بدل کنید. حزب کمونیست کارگری همه شما مردم مبارز و آزادیخواه را، همه زنان برابری طلب را، به مبارزه علیه جداسازی زن و مرد، و مقابله با حجاب کثیف اسلامی فرا میخواند. حجاب را به آتش کشید و صف های جداگانه دختر و پسر، زن و مرد، را بهم بریزید. اینها سمبل های حکومت اسلامی اند. نشان دهید و بگوئید که به کمتر از محو کامل این بردگی اسلامی و سرنگونی برپادارندگان این جهنم اسلامی رضایت نمیدهید. بگذارید دنیا بداند که مردم ایران خود تکلیف طالبانهای حاکم بر ایران را با مبارزه خود یکسر خواهند کرد.

جنبش و خواستههای آن، مرزهای انتخاب سیاسی مردم ایران را از همین امروز روشن میکند. نه به جداسازی زن و مرد، نه به حجاب اجباری، نه به تحمیل ستم و تحقیر بر زن!

جنبش عظیم برابری طلب مردم این بار به کم رضایت نمیدهد. عطش برای تغییر، عطش برای مساوات و عدالت، اشتیاق به برقراری یک جامعه سراپا انسانی را این حکومت نتوانسته و هرگز نخواهد توانست فرو نشاند و خاموش کند. روز جهانی زن، روز نمایش عزم و جزم این جنبش به برپایی یک دنیای دیگر است، روز نمایش اعتراض به این خواری و خفت اسلامی است. روزی است که زنان و مردان مبارز و آزادیخواه، رودرروی این حکومت و علیه ۲۳ سال نقض حقوق انسانی زنان، علیه تمامی قوانین نکبت و بیمارگونه اسلامی، علیه حجاب، علیه آپارتاید جنسی، قدرت خود را به نمایش بگذارند. بگویند حکومتی که با زن و حقوقش چنین کند، باید به زیر کشیده شود.

**زنده باد ۸ مارس روز جهانی اعتراض علیه ستم کشی زن  
زنده باد آزادی و برابری**

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ بهمن ۱۳۸۰ - ۱۳ فوریه ۲۰۰۲

## قطعنامه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی

**ما امضا کنندگان زیر:**

— تحمیل حجاب اجباری،

— اعمال وحشیانه جمهوری اسلامی — از جمله

شلاق زدن و زندانی کردن برای تحمیل حجاب،

— حجاب برای دختران زیر ۱۶ سال، (تحمیل

حجاب به دختران زیر ۱۶ سال نقض آشکار

حقوق ابتدائی و انسانی کودکان میباشد؛ حجاب

نه تنها دختران را از داشتن یک زندگی شاد،

برابر و فعال محروم میکند، بلکه مانع رشد

آزاد، سالم و طبیعی آنان میگردد.)

— جداسازی زن و مرد در اماکن عمومی و

هرجولوه ای از آپارتاید جنسی

را محکوم میکنیم و از:

— آزادی پوشش بعنوان ابتدائی ترین حق

انسانها،

— حقوق برابر زن و مرد،

و مبارزات زنان و مردم در ایران در جهت

نابودی کامل حجاب اجباری و آپارتاید جنسی

و برای کسب آزادی، سکولاریسم و جدائی

مذهب از دولت قاطعانه حمایت میکنیم.

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید  
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## اطلاعیه پایانی نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

### منتشر شد

\* "دنیای پس از ۱۱ سپتامبر"،

منصور حکمت، بزبان ایتالیائی

این جزوه که آلفونسو آنرا ترجمه کرده توسط جبار محمد در ایتالیا و با کمک حزب کمونیست ایتالیا در ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است.

# IL MONDO DOPO L'11 SETTEMBRE

di Mansur Hekmat

\* اسلام، حقوق کودک و حجاب گیت راه کارگر  
منصور حکمت، بزبان سوئدی



Mansoor Hekmat  
mhkmat@yahoo.com

## Islam och barnens rättigheter

Till försvar för förbudandet av islamisk slöja för barn

ترکیب سابق هیئت دائم و رئیس دفتر سیاسی را به سمت خود ابقا کرد. علی جوادی، منصور حکمت، فاتح شیخ الاسلامی، اصغر کریمی، آذر ماجدی، آذر مدرسی و کورش مدرسی کماکان اعضای هیئت دائم خواهند بود و منصور حکمت ریاست دفتر سیاسی را بعهده خواهد داشت. در طول دوره معالجه رفیق حکمت، اصغر کریمی جانشین او خواهد بود.

اخیر بوش، یورو و اتحاد اروپا، عرصه های اساسی فعالیت کمیته کردستان حزب، اعلام انحلال پ ک ک و بن بستهای ناسیونالیسم کرد از دیگر مباحث این نشست بود که به تفصیل در مورد آنها بحث و تبادل نظر گردید. دفتر سیاسی همچنین بر ضرورت رابطه تنگاتنگ با حزب کمونیست کارگری عراق تاکید کرد. در بخش انتخابات، نشست

نشست دفتر سیاسی حزب در روزهای ۹ و ۱۰ فوریه ۲۰۰۲ با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی تشکیل شد. در این نشست ابتدا گزارشی از وضعیت پزشکی منصور حکمت ارائه شد. سپس فعالیت رهبری حزب در طول دوره معالجات رفیق حکمت مورد بحث قرار گرفت و تصمیمات لازم در مورد تامین هزینه های معالجه او اتخاذ گردید. اوضاع سیاسی ایران و تهدیدهای

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۴ فوریه ۲۰۰۲

از صفحه ۱

### تتمه معجزات ...

مرگی را دید که چند سال است وجود جمهوری اسلامی را فرا گرفته است.

صحنه سیاست ایران عرصه تاخت و تاز بلامنازع دولت اسلامی و جنبش های طبقات دارا از یکسو و عر و تیز بوش از سوی دیگر، نیست. نه فقط هیچ معجزه ای از "شیطان بزرگ" نمی تواند دولت اسلامی ایران را (که ۲۳ سال پیش به ابتکار و حمایت همین جناب شیطان خلقی شد) نجات دهد، که جنبش ملی اسلامی هم که حالا پشت خاتمی و اصلاحات رفته است، بهمان اندازه رژیم اش بی آینده است. ناسیونالیست های پروغربی، جنبشی که مردم یکبار دیکتاتوری شان را به زیر کشیدند، چیزی جز همان اختناق و استثمار و رژیم سابق (حالا در اوضاع پسا جنگ سردی و با رنگ و لعابی متفاوت) ندارند که به مردم عرضه کنند. در ایران یک قطب سیاسی

و بقایای جنبش به هزیمت درآمده ملی - اسلامی را به بهانه "خطر حمله آمریکا" متحد کنند. تلاش کردند فضای رعب و میلیتاریسم راه بیندازند و مردم معترض را عقب برانند. ته دیگر تعصبات مذهبی و ناسیونالیستی را با دقت تراشیدند. از آسایشگاه معلولین و پادگانهای سپاه و ارتش، و نظایر آن سیاهی لشکر آوردند، هرگونه گروکشی و اجبار و تهدید مستقیم و غیر مستقیم را بکار گرفتند، پول خرج کردند، سکه طلا جایزه دادند و جمعیت های کرایه ای راه انداختند. مرگ بر آمریکا و اسرائیل گفتند، نمایش نخ نما شده "شیطان بزرگ" را دوباره به صحنه آوردند و با مسخرگی تمام رجز خواندند که "انقلاب اسلامی پابرجا است". دوم خردادی هایشان یکبار دیگر خاتمی را جلو انداختند، که "تنها اوست که میتواند ناجی باشد!" همه کس در ایران می توانست

شان است، کوشیدند خود را بعنوان "ناجی" به "ملت شریف مسلمان ایران" بیندازند. از آنسو، مردم توانستند در برق تهدیدات کذایی ببینند که مکمل موشکهای کروز، هواپیماهای فوق مدرن و بمب های هوشمند و قدرت تخریب و تباهی وحشتناک غول نظامی آمریکا، (حتی وقتی سخن فقط از تهدید "نامحتمل" آن باشد) اسلام سیاسی و تروریسم آن، ارتجاع سیاسی، ناسیونالیسم و سنت های سیاسی پوسیده وطنی است. اینها بهم وابسته و از یک جنس اند، مثل دو سر یک چکش. یکبار دیگر معلوم شد که محتوای عملی "نظم نوین" جهانی در حال شکل گیری، جز گرفتار کردن بشریت امروز در منگنه دوقطبی های ارتجاعی نیست. و گویا راه چاره اینست که برای فرار از یکی به دیگری باید پناه برد و از میان بد و بدتر انتخاب کرد. اما تاریخ را مرتجعین و طبقات دارا و دولتها، ارتش ها و بنگاههای تبلیغاتی شان به تنهایی و بطور یک جانبه نمی سازند. این بویژه در مورد ایران صادق است. جایی که یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری و علیه جمهوری اسلامی در جریان است.

بالنده و قدرتمند حضور دارد. چه، واضح تر از گذشته ببیند که این رجز خوانیهای جمهوری اسلامی از سر ترس و وحشت از آینده خویش و اساسا رو به مردم ایران است. مردمی که چهار سال است جنبشی گسترده و بالنده را برای رهایی از شر این اوباش بر پا کرده اند، مردمی که آزادی و رفاه و آخرین دستاوردهای زندگی بشری را میخواهند، مردمی که دو هفته پیش اش در تظاهرات های معلمان علیه رژیم رژه رفتند، در همین هفته در خیابانهای قائم شهر و اصفهان و نقاط دیگر در صفوف کارگران تظاهرات کردند. هوش و درایت چندانی نیاز نبود تا در تلاشها و بوق و کرنای ایادی رژیم همان رعشه

تهدیدات بوش بویژه "ریسمان الهی" شد که خیل جانیمان و شیادان حاکم بر ایران دو دستی آنرا قاپ زدند. نعره "وحدت، وحدت" سر دادند. کوشیدند به عناصر بی افق و مایوس خود روحیه بدهند

از صفحه ۴

### اهداف سخنان بوش

بشود. کثافت و دزدی و فساد از سر و روی این رژیم مبیارد و زندگی یک جامعه را به تباهی کشانده اند و هیچ جوابی برای مردم ندارند. و برای همین از مردم میترسند. هراس رژیم از همین اندازه حرکت اعتراضی مردم که گوشه بسیار ناچیزی از نیروی عظیم کارگران و زنان و جوانان و مردم آزادیخواه این مملکت است، نشان میدهد که اگر این نیرو بحرکت در بیاید جمهوری اسلامی در برابر این مردم تشنه آزادی و منتفر از حکومت اسلامی تاب مقاومت نخواهد داشت. مردم در کار سرنگونی این حکومت هستند و هیچ تلاشی مانع عزم آنان نخواهد شد، باید هر نوع توطئه رژیم برای کنترل اعتراضات مردم را خشی کرد. ■

و بهیچوجه به اوباشان اسلامی اجازه ندهند به بهانه "خطر آمریکا" دامنه مبارزاتشان را محدود کنند. واقعیت اینست که موقعیت جمهوری اسلامی مانند دوره جنگ با عراق یا حتی دوره پایان جنگ نیست. امروز دوره تعرض جمهوری اسلامی نیست، دوره قدرقدرتی و حزب الله بازی در آوردن نیست. رژیم در بدترین موقعیت خود قرار دارد. باید توجه کرد که هارت و پورت رژیم به بهانه سخنان اخیر جورج بوش نمیتواند جواب گرسنگی و بیکاری و بیحرمتی و اسارت مردم و دهها مصائب و بدبختی آنها

■

از صفحه ۱

## اهداف سخنان بوش

ربطی به مبارزه با تروریسم ندارد. اساسا گوشه ای از استراتژی گسترده تر آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر و در جهت برقراری نظم نوین مورد نظرش است.

اما بعد از اینهمه سال چه عاملی در تغییر لحن و روش برخورد آمریکا نسبت به ایران نقش اساسی داشته است؟ فاجعه ۱۱ سپتامبر و اعلام جنگ تروریسم اسلامی به آمریکا این کشور را وادار کرده که مقابل اسلام سیاسی قرار بگیرد. اگرچه آمریکا قصد نابودی اسلام سیاسی و مبارزه واقعی با تروریسم اسلامی را ندارد، اما کنترل این جریان تا حدیکه حداقل منافع آمریکا را از زیر ضرب القاعده و تروریسم اسلامی مصون بدارد، برایش اهمیت دارد. این یک جنبه مهم از استراتژی آمریکا در بحث آنها بر سر "مبارزه با تروریسم" است. سخنان بوش و برخورد به ایران را هم در این متن باید نگاه کرد.

علیرغم اینکه ایران گفته بود در بازسازی افغانستان شرکت میکند، اما نشانه های دخالت ایران در امور افغانستان و پیدا شدن سر و کله سپاه پاسداران در آنجا جزو نکاتی است که از طرف آمریکا مطرح شده است، همچنین گفته اند که ایران به عناصر القاعده اجازه داده که از مرز عبور کنند و یا در ایران پناه بگیرند. از طرف دیگر در شرایطی که ماجرای صلح فلسطین و اسرائیل مجددا کنار رفته و آمریکا مکررا از سرکوب وحشیانه و سیاست خونت شارون دفاع میکند، آنگاه ادعای اسرائیل مبنی بر ارسال اسلحه از طرف ایران به سازمانهای فلسطینی یک وجه دیگری است که آمریکا آنرا بعنوان حرکتی در مقابل "مبارزه با تروریسم" خود میداند. مجموع این فاکتورها و اینکه بیش از ۵ سال پس از آمدن خاتمی تلاش جناحی از رژیم برای اتخاذ یک خط مشی متفاوت در مقابل آمریکا بجائی نرسیده، این بهانه را بدست آمریکا داده است که ایران را در ردیف کشورهای قرار دهد که برای منافع آمریکا مشکل ساز است و میخواهد برای رفع آن فکری بکند و مصر است که ایران را

متوجه این منافع بکند و وادار به رعایت آن بنماید.

هدف سخنان بوش و همقطارانش حمله نظامی به ایران نیست. قبل از هرچیز باید تاکید کرد که منفعت امروز آمریکا در جنگیدن با ایران نیست. حتی در شرایطی هم که منفعتش ایجاب کند و یا مجبور بشود، فاکتورهای بین المللی و منطقه ای بسادگی اجازه روشن کردن آتش جنگ را به آمریکا نمیدهد. جنگ آمریکا با ایران مانند جنگ با طالبان نیست. حمله نظامی آمریکا به ایران از دو نظر امروز بسیار غیر محتمل است. اولاً اروپا و روسیه و چین با آن کنار نخواهند آمد. آمریکا چه بلحاظ اقتصادی و چه سیاسی در موقعیت مناسبی نیست که دست به چنین کاری بزند. ثانیاً، و مهمتر، حمله نظامی به ایران ممکن است آتش یک جنگ بزرگ را در خاورمیانه شعله ور کند و کل منطقه را در بر بگیرد. منافع کشورهای غربی و قدرتهائی مانند چین و روسیه و حتی کشورهای خاورمیانه تحت تاثیر چنین جنگ یا حمله ای ممکن است مورد تهدید قرار بگیرد و در اینصورت مقابل آن خواهند ایستاد. آمریکا نمیتواند مانند جنگ با طالبان کشورهای دیگر را بدنبال خود بکشد، از همین حالا نیز اعتراضات و مخالفتها بر حرفهای بوش بالا گرفته است. آمریکا امروز سیاست کنار گذاشتن رژیم اسلامی را ندارد و همین احتمال حمله نظامی به ایران را منتفی میکند. بنابراین با توجه به این نکات درگیری نظامی با ایران یک موضوع در دستور امروز آمریکا نمیتواند باشد.

اما هدف تهدیدهای بوش، تا به ایران برمیگردد، اساسا مربوط به یک فشار سیاسی جدیدتر به جمهوری اسلامی است. آمریکا میخواهد نقش ایران در کمک رسانی به سازمانهای اسلامی در فلسطین تغییر کند. واقعیت اینست که یک منبع واقعی تروریسم اسلامی استفاد سازمانهای اسلامی منطقه از مساله فلسطین است. آمریکا میدانند حماس و حزب الله و غیره که از طرف وی بعنوان سازمانهای تروریستی نام برده شده اند، از کمکهای جمهوری اسلامی برخوردارند. کوتاه کردن دست ایران برای کمک به این جریانات و وادار کردن ایران برای دخالت نکردن در امور افغانستان و عدم همکاری با القاعده آن نکات مهمی است که

برای پیشرفت پروژه "مبارزه با تروریسم" آمریکا اهمیت دارد و آمریکا میخواهد عملی شود. علاوه بر اینها مساله دستیابی ایران به سلاح اتمی موضوعی است که میتواند خطر مهمی برای اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه باشد که آمریکا حاضر نیست اتفاق بیفتد. طرح این مباحث توسط آمریکا در واقع تمام حجت با هیئت حاکمه ایران است که دیگر حاضر به لاس زدن و ادامه مباحث گفتگوی تمدنها و امثال آن نیست. آمریکا میخواهد، بویژه با توجه به بهانه ای که بعد از ۱۱ سپتامبر بدست آورده است، ایران موی دماغ او در عملیاتش برای کنترل جریانات اسلامی و مساله افغانستان نشود، آمریکا میخواهد که ایران پروژه مبارزه با تروریسمش را با مشکل مواجه نسازد.

اما سخنان بوش و ردیف کردن سه کشور مذکور، علاوه بر فشار سیاسی به ایران، اهداف نظم نوینی نیز ارزش مصرف داخلی هم دارد. واقعه ۱۱ سپتامبر علیرغم ضرباتی که به آمریکا زده است، فرصت و امکان دیگری برای برقرار کردن و تثبیت قدرقدرتی نظامی آمریکا در سطح جهان بوجود آورده است. یک وجه مهم "مبارزه با تروریسم" آمریکا همین هدف را دنبال میکند. اشاره به این سه کشور و مضر قلمداد کردن آنها بحال منافع آمریکا و حتی غرب میتواند هم به توجیه وسیعتر شدن حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و نقشه های نظامی آتی وی کمک کند و هم به توجیه بودجه نظامی هنگفت و بی سابقه اخیر. قانع کردن افکار عمومی مردم آمریکا درباره اختصاص بودجه ۳۷۹ میلیارد دلار به وزارت دفاع که گویا دو برابر کل بودجه کشوری مانند انگلستان است، ساده نیست. برای همین برجسته کردن کشورهای که منافع آمریکا را تهدید میکنند، بخصوص در شرایطی که مردم آمریکا هنوز از وحشت ۱۱ سپتامبر رها نشده اند، توجیه مناسبی است.

### تأثیر سخنان بوش روی جمهوری اسلامی

تأثیر سخنان بوش و برخورد و عکس العمل رژیم به این تهدیدات دو جنبه دارد. جنبه اول مربوط

است به استفاده هر دو جناح از این بحث در درجه اول علیه مردم و مبارزات آنها و در درجه دوم علیه همدیگر. و جنبه دوم مربوط است به نحوه عکس العمل و پاسخ به این تهدیدات.

بعد از سخنان بوش تقریباً کلیه مقامات بالای جمهوری اسلامی، از خامنه ای تا رفسنجانی و خاتمی و شاهرودی عکس العمل نشان دادند. هر دو جناح رژیم، علیرغم تفاوت بیان و تحلیل، این تهدیدات را محکوم کردند. تهدیدات بوش، در همین سطح حرف، برای جناح راست و خامنه ای مانند یک "باران رحمت" است. خامنه ای امکان پیدا کرد که از ضرورت وحدت جناحها سخن بگوید. خامنه ای و جناح راست تلاش میکنند که حمله و رویارویی آمریکا را جدی جلوه دهند که بتوانند علیه مبارزه مردم آنرا بکار ببرند. "استقبال" خامنه ای و دیگر عناصر جناح راست از تهدید بوش و حمله آمریکا بلافاصله این نکته را عیان میکند که آنرا همچون وسیله ای در جهت کنترل اعتراضات و مبارزات مردم و علیه جنبش سرنگونی بکار میگیرند. اما تا به دعوی او دو جناح برمیگردد، علیرغم اینکه خامنه ای با وحدت وحدت کردن تلاش میکند که جناح دو خرداد را هم کاملاً به دنبال خود بکشاند، اختلاف دو جناح بر سر رابطه با آمریکا از بین نمیرود، حتی در مواردی ممکن است تشدید شود. بعد از سخنان بوش جبهه مشارکت جناح راست را مسئول دانست که با اعمالش موجب تحریک آمریکا و بهانه دادن بدست وی شده است. علاوه بر این یکی از نمایندگان مجلس در نطق پیش از دستور خود از علاقه محافظه کاران به حمله نظامی آمریکا در جهت بدست گرفتن کنترل اوضاع حرف زد. روشن است که از نظر خامنه ای و جناح راست هرگونه حمله نظامی آمریکا باید به ابزاری برای خفه کردن جنبش سرنگونی تبدیل شود. جناح دیگر اما این امکان را هم منتفی نمیداند که کنترل اوضاع از دستشان بدر رود و به نابودی کشیده شوند. برای همین بحث جبهه مشارکت درباره اینکه جناح راست باعث تهدیدهای آمریکا شده است، در واقع اشاره به این دارد که باید در برابر آمریکا کوتاه آمد و مناسبات را با وی بهبود بخشید.

مستقل از آنچه مقامات رژیم

در تبلیغات علیه آمریکا میگویند، هر دو جناح بدلیل آگاهی از موقعیت شکننده جمهوری اسلامی و قدرت گرفتن جنبش سرنگونی در ایران از حمله نظامی آمریکا نگران هستند. برای همین در عکس العمل به تهدیدهای بوش، علاوه بر تهدید متقابل و انتقاد از طرف همه مقامات رژیم، در عمل و در سطح رسمی فعلاً دارند با تکذیب ادعاهای بوش مبنی بر کمک به القاعده میخوانند نشان دهند و احتمالاً نشانه هائی هم بروز بدهند که قصد درگیری با منافع آمریکا را ندارند. مثلاً تحویل دادن و یا برگرداندن تعدادی از اعضای القاعده، چیزی که وزارت خارجه ایران در اوایل آنرا باین شکل مطرح کرده که اگر عناصر القاعده را دستگیر کنند آنها را به کشورشان برمیگردانند، و اکنون اعلام کرده اند که ۱۵۰ نفر را دستگیر کرده اند و احتمالاً آنها را تحویل دهند. علاوه بر این دفاتر گلبدین حکمتار در ایران بسته شد و خود او هم گفته است اگر خروج من از ایران به بهبود رابطه ایران و آمریکا بیانجامد، ایران را ترک میکنم. به همه اینها باید سخنان اکثر مقامات رژیم را مبنی بر بهانه ندادن بدست آمریکا، از جمله حرفهای رفسنجانی در اینمورد در نماز جمعه، همگی حاکی از اینست که رژیم خود را به درگیر کردن با آمریکا نمیزند. و این اساساً دلیلش برمیگردد به وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی رژیم و هراس از جنبش سرنگونی که در کمینش است.

روشن است که هم کل رژیم اسلامی و هم سازمانهای مفلوک دو خردادی در خارج حکومت که در ماجرای تهدید جرح بوش هم یک روزنه دیگر برای حمایت از آقای خاتمی و "درایت" او و دفاع از جناح اصلاح طلب پیدا کردند، از هر امکان و موقعیتی برای حفظ رژیم و کم اثر کردن اعتراضات و مبارزات مردم بهره میگیرند. اما مساله اینست که دیگر هیچ نیروئی قادر نیست مردمی را که برای پایان دادن به زندگی سراپا نکبت تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بمیدان آمده اند، به خانه بفرستد. نکته مهم اینست که کارگران و زنان و جوانان باید بر حقانیت خواسته ها و اعتراضات خود تاکید کنند و بر ایجاد تشکل های خود همت گمارند

صفحه ۳

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England